



دست و فکر آنها روی دست اروپا بزند چون «توکل» و «توانستن» را چاشنی تخصص شان کردند و به حق توانستند توی بیابان‌های جوین غیرممکن‌ها را ممکن کنند. تا تصویری باشند زیبا از تمام کسانی که به «خود» خودشان که «می‌تواند» رسیدند.

مانیتور گاهی تا سرحد صاف شدن پیش می‌رود و صدای آلام‌اش توی مغز تیم عملیات سوت می‌کشد اما کسی اجازه ناامید شدن ندارد. عرق می‌ریزند اما صحنه را خالی نمی‌کنند. کارشکنی می‌بینند اما جانمی‌زنند. اولین رگ حیاتی کارخانه که باز می‌شود، کارخانه نفسی می‌کشد. امید توی دل تیم عملیات جوانه می‌زند. بعد از آن یکی یکی رگ‌های کارخانه باز می‌شود و قلب کارخانه دوباره به کار می‌افتد و کارخانه احیا می‌شود؛ اما قصه همین‌جا تمام نمی‌شود.

چون قصه فقط نجات دادن یک کارخانه رو به مرگ نیست. قصه آنجایی جذاب‌تر می‌شود که تیم عملیات، این کارخانه را زنده اما کم‌جان روی تخت بیمارستان رها نمی‌کنند. کتاب عملیات احیا به قلم محمد حکم‌آبادی، دقیق و ظریف و هنرمندانه روایت می‌کند که تیم عملیات کارخانه جمکو به مدیریت محمد رستمی چطور پا به پای این کارخانه احیاشده پیش می‌آیند تا کم‌کم حرف بزند، چند قدم راه برود و بالاخره آماده‌اش می‌کنند برای دویدن؛ دویدن تا رسیدن به ۵ کشور تولیدکننده موتور سنکرون در دنیا.

جمکو همان بیمار در حال احتضار که افرادی از راه نرسیده لگدی هم نثارش می‌کردند تا زودتر جان دهد، توانست با یک کار تیمی دقیق و به همت تک‌تک مهندس‌ها و کارگانش امروز به لبه دانش و فناوری جهان برسد. تا جایی که حالا آوازه الکتروموتورهای ضد انفجارش به‌عنوان ششمین کشور سازنده دنیا، گوش‌آنهایی که اصلاً خوش ندارند ایران را ایستاده و روی پا ببینند، کر کرده است.

جمکونه تنها جان‌ن داد بلکه وقتی تیم عملیاتش فهمیدند حل بحران آب مردم خطه خوزستان و همدان گره خورده به دستان آنها، شب‌ها نخوابیدند و سه شیفته به پای ساخت موتورهای آبرسانی عرق ریختند تا خنکای آب، به جگر تفتیده کودکان جان تازه دهد.

وقتی کسی باور نمی‌کرد الکتروموتورهای نیروگاه رومیله عراق کار

”

وقتی کسی باور نمی‌کرد الکتروموتورهای نیروگاه رومیله عراق کار دست و فکر آنهاست روی دست اروپا زدند و «توکل» و «توانستن» را چاشنی تخصص‌شان کردند و به حق توانستند توی بیابان‌های جوین غیرممکن‌ها را ممکن کنند

